

الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت مبنای حکمرانی پایدار (نظام تدبیر شایسته و پایدار)

رضا مکنون^۱، جلیل سلیمی^۲

چکیده

داشتن الگویی متناسب با شرایط اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی برای هر کشوری که می‌خواهد در مسیر توسعه و پیشرفت گام بردارد ضرورتی انکار ناپذیر است. الگویی جامع و فراگیر، پویا و انعطاف پذیر، منطبق بر شرایط عینی جامعه، ناظر به حل مسائل اساسی جامعه و غیره که مورد اجماع باشد. تجاربی مختلفی در سطح بین المللی در این راستا وجود دارد که مطالعه آن‌ها در مسیر طراحی الگوی اسلامی- ایرانی برای ایران لازم و ضروری است. از آنجایی که یکی از کارکردهای چنین الگویی شکل دهی به نظامی برای تدبیر امور و حکمرانی می‌باشد، این مقاله در نظر دارد نظریه‌های توسعه‌ای و حکمرانی را مطالعه و سیر تکامل این نظریات را از دولت گسترده و فراگیر تا دولت کوچک (نظام بازار) و سپس حکمرانی خوب و در نهایت حکمرانی پایدار بررسی کند. پس از تبیین مفاهیم اولیه در نظر است شرایط و الزامات دستیابی به حکمرانی پایدار بررسی و نقش الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت به عنوان مبنایی برای دستیابی به حکمرانی پایدار تبیین شود. توجه به مبنای حکمرانی پایدار در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باعث خواهد شد که توسعه‌ای متوازن و همه جانبه دست یافت و از این طریق به آینده‌ای پایدار شکل داد.

کلید واژه: حکمرانی، نظام تدبیر، حکمرانی خوب، حکمرانی پایدار، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

^۱ استاد دانشگاه، گروه مهندسی آینده‌پژوهی، دانشکده مدیریت، علم و فناوری، دانشگاه صنعتی امیرکبیر

^۲ دانشجوی دکتری مهندسی آینده‌پژوهی، گروه مهندسی آینده‌پژوهی، دانشکده مدیریت، علم و فناوری، دانشگاه صنعتی امیرکبیر* (مسئول مکاتبات):

(& J_salimi@aut.ac.ir J_Salimi4000@yahoo.com)

^۳ پژوهشکده مطالعات آینده، دانشگاه صنعتی امیرکبیر

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

۱- مقدمه

اندکی بیش از نیم قرن می‌گذرد که «توسعه» به مثابه یک هدف استراتژیک در دستور کار اغلب دولت‌ها قرار گرفته است. اما به دلیل تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، همه آن‌ها به یک حد از مواهب توسعه برخوردار نبوده‌اند، به طوری که از این منظر، کشورها را به سه گروه توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته تقسیم بندی می‌کنند.

ایران که همزمان با اغلب کشورهای جهان، با تدوین و اجرای برنامه‌های میان مدت عمرانی، در مسیر «توسعه» گام برداشته، هنوز در زمره کشورهای در حال توسعه قرار دارد و این در حالی است که برخی از جوامع، همچون کشورهای آسیای جنوب شرقی که قدمت برنامه‌ریزی توسعه در آن‌ها به مراتب کمتر از ایران بوده، از منظر شاخص‌های توسعه در مراتب بهتری قرار گرفته‌اند (هادی ونوز، ۱۳۸۹).

گذشته از تفکر برنامه‌ریزی که آثار آن از سال ۱۳۱۶ به بعد در اسناد دولتی قابل مشاهده است، نخستین برنامه کشور در سال ۱۳۲۷ تقدیم مجلس شورای ملی و در همان سال تصویب شد (توفیق، ۱۳۸۵). وجود چنین سند قانونی در سی ساله نخست قانون‌گذاری در ایران دلالت بر پذیرش اثرگذاری برنامه‌ریزی در نظام مدیریت کلان دارد. از آن روز در حدود ۶۵ سال می‌گذرد و در طی این سال‌ها ۱۰ برنامه عمرانی و توسعه‌ای تهیه شده است. در طول این مدت سه نوع برنامه‌ریزی یعنی برنامه عمرانی (متکی بر طرح و پروژه)، برنامه جامع ملی (شکل سنتی و متعارف برنامه) و برنامه ساختاری (شناخت چالش‌های اساسی فرایند توسعه و سعی در فراهم ساختن الزامات تحقق توسعه پایدار) تهیه شده است (نوبخت و غلامی نتاج، ۱۳۹۰).

ارزیابی شش دهه برنامه‌ریزی توسعه در ایران بیشتر از همه حاوی این پیام است که اولاً حجم عظیم منابع انسانی، مالی و طبیعی مصرف شده، با دستاوردهای به دست آمده تناسبی نداشته است و با وجود پیشرفت‌های مهمی که در برخورداری از مواهب توسعه نسبت به گذشته پدید آمده، شکاف و فاصله تاریخی ایران با کشورهای پیشرفته و حتی اهداف و آرمان‌های ملی چندان کاهش نیافته است (خاندوزی، ۱۳۸۹).

آسیب شناسی برنامه‌های توسعه در ایران گواه این امر است که یکی از مهم‌ترین دلیل عدم موفقیت در مسیر توسعه، نداشتن الگویی ملی و بومی و متناسب با ارزش‌های جامعه، شرایط کشور، آرمان و اهداف کلان ملی و سازگار با شرایط فرهنگی و تاریخی ایران بوده است (مکنون و همکاران، ۱۳۹۳).

با درک اهمیت موضوع از سال ۸۸ با دستور رهبر معظم انقلاب مرکزی با نام الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، مسئولیت تدوین الگویی بومی با ویژگی اسلامی و ایرانی بودن را پذیرفت. یکی از مهم‌ترین کارکردهای که برای الگوی ایرانی

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌توان متصور شد، شکل دهی به نظام حکمرانی و نظام تدبیر کشور می‌باشد. در واقع انتظار می‌رود نظام تدبیر کشور بر مبنای الگویی اسلامی و ایران بتواند به تنظیم پارامترهای و المان‌های مهم شکل دهنده نظامی شایسته بپردازد و با اتخاذ تصمیمات صحیح و آینده نگر پاسخگوی نیازهای حال و آینده باشد.

در این مقاله تلاش خواهد شد به المان‌های پایداری و شکل‌گیری نظام تدبیر شایسته و پایدار با توجه به تجربیات جهانی اشاره شود تا با در نظر گرفتن این المان‌ها در طراحی الگوی ایرانی اسلامی، این الگویی مبنایی برای شکل دهی به نظام تدبیر مطلوب باشد.

در ابتدا به بررسی مفهوم حکمرانی و سیر تاریخی نظریه‌های حکمرانی خواهیم پرداخت. سپس مفهوم حکمرانی پایدار تبیین و در نهایت ارتباط الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت با حکمرانی پایدار بیان خواهد شد.

۲- تعریف حکمرانی

ارائه تعریفی از حکمرانی، چالشی، ظریف و پیچیده است. به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد اولین نکته که باید درباره این مفهوم متذکر شد این است که حکمرانی تنها به معنای دولت نمی‌باشد. حکمرانی موضوعی است درباره نحوه تعامل دولت‌ها و سایر نهادهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط این‌ها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده. حکمرانی فرایندی است که از آن طریق جوامع یا سازمان‌ها تصمیمات مهم خود را اتخاذ و مشخص می‌کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند. سیستم حکمرانی، چارچوبی است که فرایند متکی بر آن است. بدین معنی که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادها و سیاست‌ها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ کردند و وظایف چگونه انجام و ادا می‌شود. سازمان‌ها و افراد مختلف تعاریف متعددی را در باره حکمرانی ارائه کرده‌اند که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها در جدول ۱ اشاره می‌شود.

جدول ۱. تعابیر مختلف از حکمرانی

مرجع	تعریف	نهاد / فرد
(نادری، ۱۳۹۰)	حکمرانی مجموعه‌ای از اقدام‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور و فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدام‌های مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیب‌های غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است.	سازمان ملل متحد
(نادری، ۱۳۹۰)	حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند. حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدام همکاری جویانه اتخاذ می‌گردد.	کمیسیون حکمرانی جهانی
(مخبر، ۱۳۸۲)	حکمرانی عبارت است شیوه اعمال قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور.	بانک جهانی
(دباغ، ۱۳۸۵)	سیستم پیچیده‌ای از تعاملات بین ساختارها، سنت‌ها، کارکردها (مسئولیت‌ها) و فرآیندها (عملکردها) که به وسیله سه ارزش کلیدی یعنی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت مشخص می‌شود	سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی: پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مرجع	تعریف	نهاد / فرد
(دباغ، ۱۳۸۵)	حکمرانی، ترکیبی است از سنت‌ها (قواعد و آداب و رسوم) نهادها و فرایندهایی که تعیین می‌کند چگونه قدرت با ید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در زمینه مباحث عمومی اتخاذ می‌گردد.	انستیتو حکمرانی اوتاوا
(دباغ، ۱۳۸۵)	مفهوم حکمرانی به مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرایندها و نهادهایی اطلاق می‌شود که به وسیله آن‌ها جامعه به طور رسمی و غیر رسمی به اداره فرایند توسعه و رفع تعارضات می‌پردازد. حکمرانی مستلزم حکومت، جامعه مدنی (فعالان اجتماعی و اقتصادی، نهادهای جام عه محور و گروه‌های ساختار نیافته، رسانه‌ها و غیره) می‌شود که در تمام سطوح، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی معنا می‌یابد.	انستیتو تکنولوژی توکیو
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	کنش، فرایند یا قدرت اداره و حاکمیت حکومت	فرهنگ لغت هر تیچ
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	کنش یا شیوه حکمرانی کردن، اعمال کنترل یا اقتدار بر کن شهای زیردستان، نظام مقررات	فرهنگ لغت آکسفورد
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	حکمرانی سنت‌ها و نهادهایی است که بر اساس آن، اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود. این مجموعه عبارت از است: ۱. فرایندی که بر اساس آن، حاکمان انتخاب می‌شود، بر آن‌ها نظارت می‌گردد و تغییر می‌کنند. ۲. ظرفیت حکومت برای اینکه سیاست‌های درست را به گونه‌ای کارآمد تدوین و اجرا کند. ۳. احترام شهروندان و مردم به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آن‌ها را اداره می‌کند.	کافمن و همکارانش
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	حکمرانی، نهادهای سیاسی جامعه (فرایند تصمیم‌گیری جمعی و کنترل سیاستمداران، گروه‌های ذینفع قدرتمند سیاسی و اقتصادی)، ظرفیت دولت (قابلیت دولت در تأمین کالاهای عمومی در بخش‌های مختلف کشور) و تنظیم نهادهای اقتصادی (چگونگی دخالت دولت در تشویق یا عدم تشویق فعالیت‌های اقتصادی از طریق کنشگران مختلف) را شامل می‌شود.	اسم اوغلو
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	معتقد است فارغ از موضوع تدبیر امور شرکتی، واژه حکمرانی برای بحث درباره دو موضوع مرتبط استفاده می‌شود: نخست، همه جنبه‌های شیوه اداره یک ملت که نهادها، سیاست‌ها، قوانین، مقررات، فرایندها و سازوکارهای نظارتی را شامل می‌شود و دیگر مجموعه فرهنگ و ایدئولوژی مرتبط با حکمرانی، یعنی ارزش‌ها، فرهنگ، سنت‌ها و ایدئولوژی‌هایی که در حوزه حکمرانی وجود دارد.	چیبا
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	منظور از واژه حکمرانی، دو چیز است: نخست تفسیری وسیع از پیوندهای میان نهادهای سیاسی جامعه که نه تنها قانون اساسی و نظام انتخاباتی، بلکه سایر عوامل تأثیرگذار بر قدرت سیاسی افراد و گروه‌ها، مانند توانایی حل مشکلات کنش جمعی، استفاده از ارتباطات و حتی سلاح گرم را نیز شامل می‌شود؛ دوم اینکه، حکمرانی بیانگر اجرای تصمیم‌های جمعی نیز است که ظرفیت دولت و توانایی دولت به اجرای منسجم و کارآمد سیاست‌ها و میزان و اثر فساد را شامل می‌شود.	بالند، موانی و رایینسون
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اجرایی به منظور اداره امور جامعه در همه سطوح. حکمرانی سازوکارها، فرایندها و نهادهایی را شامل می‌شود که از طریق آن، شهروندان و گروه‌ها منافعی را منسجم و مشخص می‌کنند، حقوق قانونیشان را اعمال می‌کنند، با وظایفشان آشنا می‌شوند و اختلاف‌هایشان را حل می‌کنند.	برنامه عمران سازمان ملل
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	با توجه به اهداف صندوق بین‌المللی پول، حکمرانی منحصر به جنبه‌های اقتصادی... در دو حوزه بهبود اداره منابع عمومی... حمایت از توسعه و حفاظت از شفافیت و اقتصاد پایدار و محیط قانونمند است که انجام فعالیت‌های بخش خصوصی کارآمد را نیز تسهیل می‌کند.	صندوق بین‌المللی پول
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	شکل و همراهی قواعد رسمی و غیررسمی که تنظیم‌کننده قلمرو عمومی و محدوده‌ای است که در آن دولت همراه با کنشگران اقتصادی و اجتماعی در حال تعامل برای اتخاذ تصمیم است.	هایدن و همکاران
(نیکونستی، ۱۳۹۰)	هنگامی که از واژه حکمرانی برای بحث درباره حکومت و بخش عمومی استفاده می‌کنیم، منظور	گریندل ۲۰۱۰

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

مرجع	تعریف	نهاد / فرد
(۱۳۹۰)	بنیان‌های نهادی اقتدار عمومی و تصمیم‌گیری است. در این وضعیت، واژه حکمرانی نهادها، نظام‌ها، قواعد بازی و سایر عواملی را شامل می‌شود که مشخص می‌کنند چگونه تعاملات سیاسی و اقتصادی، ساختارمند می‌شود، چگونه تصمیم‌ها گرفته می‌شود و منابع اختصاص می‌یابد.	
(یزدانی، ۱۳۹۱)	رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان	مک‌کارنی و همکارانش
(یزدانی، ۱۳۹۱)	هماهنگی مداوم و وابستگی میان طیف وسیعی از بازیگران با اهداف متفاوت چنین بازیگرانی احتمالاً شامل بازیگران سیاسی و نهادی، گروه‌های منافع جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی و فرادولتی خواهند بود.	جان پی‌یر
(یزدانی، ۱۳۹۱)	وی ادعا می‌کند می‌کند حکمرانی را می‌توان به شکل کلی به عنوان ابزاری تعریف کرد که از طریق آن، ی فعالیت با مجموعه ای از فعالیت‌ها کنترل یا هدایت می‌شوند. تا حدی که این فعالیت‌ها بتوانند طیف قابل قبولی از برون داده‌ها را با توجه به برخی اصول ثبت شده به دست آورد	هیرست
(یزدانی، ۱۳۹۱)	حکمرانی، برجستگی توصیفی است که برای برجسته کردن ماهیت در حال تغییر فرایند سیاست‌گذاری در دهه‌های اخیر به کار برده شده است. به ویژه این مفهوم، توجه ما را به تنوع بازیگران و عوامل حاضر در فرایند سیاست‌گذاری جلب می‌کند. در نتیجه حکمرانی خواستار آن است که ما تمامی بازیگران و موقعیت‌های فراتر از هسته اجرایی (دولتی) حاضر در فرایند سیاست‌گذاری را نیز در نظر بگیریم.	ریچارد واسمیت
(یزدانی، ۱۳۹۱)	تصویر یک رابطه هرمی میان دولت و تابعین با ایده فضاهای موازی چندگانه که در آن قدرت مورد تصادم و مذاکره است، جایگزین می‌شود.	نیومن
(یزدانی، ۱۳۹۱)	ماهیت حکمرانی، تمرکز آن بر مکانیزم‌هایی از حکومت کردن است که متکی به منابع اقتداری و مجازات حکومت نیست.	جری استوکر
(مردوخ، ۱۳۹۳)	نظام تدبیر دربرگیرنده مجموعه قوانین اساسی و ارگانیک، قوانین عادی، نهادهای برقرارکننده نظم و آرامش اجتماعی، سنت‌ها و روابط رسمی و غیررسمی، قوانین نانوشته و رفتارها و پندارهای خارج از قانون است که برای قانون عرف ضمانت اجرایی و برای عملکرد دیوان سالاری و روابط و مناسبات میان قوای سه‌گانه فرآیندهای حکومتی برقرار می‌ند. نظام تدبیر در واقع تعیین‌کننده شیوه تعاملات میان اعضای یک جامعه و توزیع منابع و قدرت در میان آن‌هاست.	بایزید مردوخ

بی‌شک به تعاریف مذکور، تعاریف دیگری را نیز می‌توان افزود^۴، اما راهکاری که دیکست برای حل مشکل تعریف حکمرانی بیان می‌کند، منطقی به نظر می‌رسد. وی معتقد است که برداشت مختلف از این واژه، اجتناب‌ناپذیر است، از این رو، تعریف خود را با توجه به هدف مقاله‌اش بیان می‌کند (نیکونسبتی، ۱۳۹۰). اگر بخواهیم بر اساس این رویکرد عمل کنیم - از آنجایی این مقاله درباره داشتن الگویی به عنوان پیش‌نیاز دست‌یابی به حکمرانی می‌باشد- در این مقاله حکمرانی بیشتر به عنوان نظامی که تدبیر امور را در دست دارد و با تعاملات در سطوح مختلف به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌پردازد، مطرح می‌باشد. نظام تدبیر در واقع تعیین‌کننده شیوه تعاملات میان اعضای یک جامعه و توزیع منابع و قدرت در میان آن‌هاست. در این نظام تدبیر قدرت به صورت متمرکز نمی‌باشد و تصمیمات حاصل تعامل بین ذینفعان و ایجاد تعادل در بین خواسته‌ها می‌باشد. با این تعریف بنابراین ما نیازمند الگویی هستیم که مبنای فکری و فلسفی حرکت را مشخص و با رفع تناقضات در خواسته‌ها مبنایی برای تدبیر شایسته امور فراهم آورد.

^۴کیفر معتقد است حتی یک تعریف مورد توافق نیز برای سازماندهی بررسی‌های انجام شده درباره حکمرانی وجود ندارد (نیکونسبتی، ۱۳۹۰).

۳- سیر تحولات نظری پیرامون حکمرانی

حکمرانی و روش‌های گوناگون آن تقریباً قدمتی به قامت تاریخ تمدن بشری دارد ولی پیدایش نظریه‌های علمی در این زمینه را می‌توان به دوران پس از جنگ جهانی دوم نسبت داد. از آن موقع تا کنون می‌توان چهار دوره اصلی را در تکامل نظریات مربوط به حکمرانی در نظر گرفت. دوره اول مقارن با زمان پس از جنگ جهانی دوم بود که دولت‌ها با خرابی‌های بزرگ پس از جنگ مواجه بودند. دوره ای اغلب کشورها رکود اقتصادی شدید و بیکاری فراوان را تجربه می‌کردند (می‌دری، ۱۳۸۵). در این دوران به دلیل نفوذ تفکر برنامه ریزی که در شوروی سابق جریان داشت، اغلب متفکران معتقد به دولت برنامه ریز بودند (تصدیقی، ۱۳۸۳). در این دوران اعتقاد به "دولت بزرگ" برای در دست گرفتن امور و شرکت‌های دولتی به مثابه قهرمانان ملی وجود داشت و نظریه اقتصاد کنزی نیز دولت را نمای تصحیح کننده شکست بازار می‌دانست که با طراح‌های عمرانی دولتی فرایند توسعه را تسریع می‌بخشید (قاسمی شاد ۱۳۸۸). محور این اندیشه بر این مبنا استوار بود که دولت‌ها بهترین داور برای تصمیم‌گیری در مورد تعیین ضروری بودن یا نبودن کالاها هستند زیرا که دولت تمامی اطلاعات را در اختیار دارد. همچنین فرض دیگر بر این بود که بخش دولتی یکپارچه و یک دست است و دولت بزرگ با تسلط بر روی امور خواهد توانست مشکلات را حل و توسعه را جهت دهی کند (تصدیقی، ۱۳۸۳).

با گذشت زمان، تقریباً از سال‌های میانی دهه ۷۰ کم‌کم ناکارآمدی شرکت‌های دولتی مشخص شد و رویکرد دولت بزرگ رو به افول گذاشت. دخالت وسیع دولت، تخصیص منابع اقتصادی را بهبود نداد، نرخ رشد بالاتری را برای اقتصاد کشورها به همراه نداشت، توزیع عادلانه درآمدها را فراهم نکرد، فضای باثبات اقتصادی را موجب نشد و سرانجام دخالت و سیطره گسترده دولت‌ها سبب شد کشورها به عدم تعادل اقتصادی در متغیرهای کلان دچار شوند (تصدیقی، ۱۳۸۳).

در افول نظریه دولت بزرگ نظریه مقابل آن یعنی دولت کوچک از سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ مطرح شد. این نظریه مبتنی بر نظام اقتصادی آزاد و تعادل بازار بود. رویکرد این مکتب با اعتقاد به قدرت بازار و انتخاب مردم، به کارآمدی رقابت و قیمت‌های بازار به جای تخصیص منابع دولتی اصرار ورزیدند و نگاه به دولت از عامل توسعه به عنوان مهم‌ترین مانع توسعه تغییر یافت (قاسمی شاد ۱۳۸۸). در واقع اقتصاددان توسعه این بار بر اصلاح قیمت‌ها و سازوکارهای بازار تأکید کردند و شعار "جادوی بازار"^۵ ریگان و "کوچک کردن دولت"^۶ که تاچر مطرح کرده بود، به شعار اصلی دهه ۸۰ تبدیل گردید (نیکونستی، ۱۳۹۰). جان ویلیامسون^۷ در کنفرانسی که در سال ۱۹۸۹ برگزار شد، ۱۰ سیاست مورد توافق نهادهای بین‌المللی مستقر در شهر واشنگتن، از نهادهای ملی آمریکا مانند بانک مرکزی، نهادهای اقتصادی دولت آمریکا تا نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را "اجماع واشنگتنی"^۸ نامید. این سیاست‌ها به طور

⁵ Magic of Market

⁶ Minimization of Government

⁷ John Williamson

⁸ Washington Consensus

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

خلاصه عبارت بود از اینکه موازنه کلان خود را حفظ کنید، دولت را از صحنه تجارت خارج کنید، افسار کار را به دست بازار آزاد دهید و در کل، "تثبیت، خصوصی سازی و آزادسازی" مسأله اصلی بود (خاکباز، ۱۳۸۳).

در اوایل دهه ۱۹۹۰ با فروپاشی نظام کمونیستی، توجه به دولت کوچک سرعت بیشتری گرفت و در کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی به شدت رواج یافت و بسیاری از کشورهای افریقایی، امریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی را نیز در بر گرفت (نادری، ۱۳۹۰). خصوصی سازی های سریع و بدون ایجاد نهادهای لازم و پیش نیازهای مطلوب باعث به وجود آمدن مشکلاتی شد. همچنین حوادث پایانی دهه ۱۹۹۰، همچون بحران شرق آسیا، تجربه ناموفق کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق و بحران های متعدد مالی در طول ۲۵ سال پیش از آن، بسیاری از کارشناسان بانک جهانی را به انتقاد از سیاست های اجماع واشنگتنی واداشت.

شواهد موجود نهادهای بین المللی مانند بانک جهانی را مجاب به پذیرش انتقادات وارده بر دولت کوچک کرد و اقتصاددان این نهاد در راستای حل مشکلات موجود نظریه حکمرانی خوب^۹ را ارائه دادند. در واقع این نظریه بر این مبنا استوار بود که اندازه دولت مسئله اصلی نمی باشد بلکه توانمندسازی دولت نقش محوری دارد. به دلیل نگاه اقتصادی صرف به مسائل در حکمرانی خوب و با توجه به نیاز به رشدی متوازن و پایدار حکمرانی پایدار در ادامه حکمرانی خوب شکل گرفت. به دلیل اهمیت این دو مفهوم در ادامه به تفصیل در باره آنها خواهیم پرداخت. همچنین شکل زیر مراحل تکامل این نظریات را به صورت مختصری نشان می دهد.

^۹ Good governance

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴



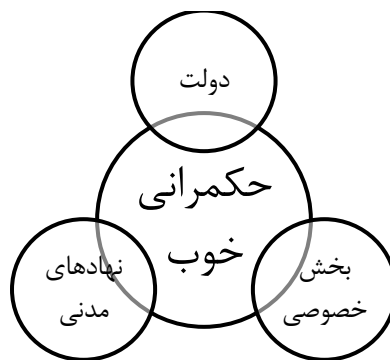
شکل ۱. سیر تحولات نظریات حکمرانی

۴- حکمرانی خوب

همانطوری که در قسمت قبل اشاره شد تجربه ناموفق درباره تأکید بر اندازه دولت، نظریه پردازان را به اهمیت کارایی و کیفیت دولت رساند. برای نخستین بار در ۱۹۸۹ کارشناسان بانک مرکزی با توجه ناموفق پیاده سازی سیاست‌های اجماع واشنگتنی، نظریه حکمرانی خوب و اجماع پسا واشنگتنی را مطرح کردند که تأکید آن بر تصمیماتی بود که امکان تأثیر گذاری بر عملکرد اقتصادی یک کشورها را فراهم می‌ساخت البته بعدها علاوه بر بعد اقتصادی، یک بعد سیاسی نیز بدان اضافه شد (دباغ و نفری، ۱۳۸۸).

نظریه حکمرانی خوب با تغییر در پارادایم حاکم بر دولت، این مفهوم را با خود یدک می‌کشید که دولت تنها اداره کننده و حاکم جوامع نمی‌باشد. بلکه برای داشتن حکمرانی خوب نیاز به نهادهای دیگری نیز می‌باشد. بخش خصوصی و نهادهای مدنی دو بازوی دیگر حکمرانی می‌باشد که اگر قواعد بین این سه نهاد به درستی تنظیم شود حکمرانی خوبی حاصل خواهد شد. در واقع حکمرانی خوب را می‌توان معطوف به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی دانست. در این الگو سه منظر مد نظر است.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴



شکل ۲. سه بخش اصلی حکمرانی خوب

در طی این سالیان پارادایم حکمرانی خوب به عنوان پارادایم قالب در زمینه حکمرانی مطرح بوده و تعارف بسیاری از آن توسط ارگان‌ها و افراد مختلف ارائه شده‌اند. در تعریفی کلی می‌توان گفت "حکمرانی خوب عبارت است از نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند". اغلب تعاریف حکمرانی خوب از طریق ویژگی‌ها و شاخص‌هایی است این نوع از نظام تدبیر باید داشته باشد. جدول ۲ ویژگی‌های مختلفی که افراد و ارگان‌های بین‌المللی برای حکمرانی خوب عنوان داشته‌اند را نشان می‌دهد.

جدول ۲. تعاریف، شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی خوب

شاخص‌ها و ویژگی‌ها	نهاد / فرد
مدیریت دولتی کارا (شامل بودجه بندی، حسابرسی، ارائه گزارش و رفع نارسایی‌ها)، پاسخگویی، چارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت (اطلاعات در مورد اثربخشی فعالیت‌ها و شفافیت جهت جلوگیری از فساد)	بانک جهانی ۱۹۹۲
مشروعیت دولت (به معنی وجود فرایندهای مشارکتی و رضایتمندی افراد)، پاسخگویی، شایستگی دولت، احترام به حقوق بشر و رعایت قانون	ODA ۱۹۹۳
حساب دهی عمومی، پاسخگویی، مدیریت مسالمت آمیز بحران، رهبری سیاسی خلاق و هوشمند، مشمولیت (عدالت)	فرید من ۱۹۹۸
مشارکت، شفافیت، پاسخ گویی، حساسیت به نیاز فقرا، مدیریت عمومی قوی و ثمر بخشی هزینه	بانک جهانی ۲۰۰۰
مشارکت، عدالت، شفافیت، حسابدگی، حکومت قانون، پاسخ گویی، اجماع گرایی، ثمر بخشی و کارایی، چشم انداز استراتژیک	UNDP ۲۰۰۰
عدم تمرکز اقتدار و منابع (اختیار تصمیم گیری)، عدالت حضور در تصمیم گیری، شفافیت، حسابدگی، التزام مدنی و شهروندی، کارایی، چشم انداز استراتژیک توسعه پایدار، امنیت	UNCHS ۲۰۰۰
پاسخ گویی و حق اظهار نظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت، کیفیت تنظیم کنندگی، اثربخشی دولت،	بانک جهانی

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

شاخص‌ها و ویژگی‌ها	نهاد / فرد
حاکمیت قانون، مهار فساد	۲۰۰۶
تضمین برابری حقوقی، بهبود کارآمدی و پاسخگویی بخش عمومی و کاهش فساد	صندوق بین‌المللی پول
در پنج جنبه (مشارکت، انصاف، شایستگی، کارآمدی، پاسخگویی و شفافیت) می‌توان حکمرانی خوب را در شش حوزه (جامعه مدنی، جامعه سیاسی، حکومت، بروکراسی، جامعه اقتصادی، قوه قضائیه) سنجید.	هایدن و همکاران
حکمرانی خوب برای تضمین سه پی‌ش نیاز اساسی بازار اقتصادی (حفاظت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادها، کنش جمعی) لازم است... اقتصاد حکمرانی خوب، از همه فرایندهای اسمتی حمایت می‌کند که بر اساس آن، افراد در امور مختلف متخصص می‌شوند و با یکدیگر به منظور دستیابی به نهایت توان اقتصادی جامعه مبادله می‌کنند.	دیکست (۲۰۰۹)
حکمرانی خوب در اکثر موارد بیانگر فهرستی از خصوصیات پسندیده است که حکومت باید داشته باشد. حکمرانی خوب، بیانگر نگرانی‌های هنجاری درباره اموری است که دولت باید انجام دهد، مانند کاهش فقر، حفظ ثبات سیاسی یا عرضه خدمات پایه‌ای.	گریندل ۲۰۱۰

در یک تحلیل کلی می‌توان از این تعاریف چند نکته اساسی را دریافت: نخست آنکه حکمرانی خوب به عنوان بوجود آورنده روابط متقابل، حمایت‌کننده و همکارانه بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی معرفی شده است. ماهیت روابط بین این سه گروه فعال و ضرورت مکانیسم‌های قدرتمند برای تسهیل تعامل بین آن‌ها جزء مفروضات مهم و اساسی تلقی می‌شود. دوم، حکمرانی خوب به عنوان مفهومی که دارای چنین ویژگی‌هایی باشد: مشارکت، شفافیت در تصمیم‌سازی، پاسخگویی، حاکمیت قانون، توانایی پیش‌بینی آینده، اعمال دموکراتیک، آزادی‌های مدنی تعریف شده است. سوم، تفاوت میان سیاق‌ها و موقعیت‌ها سبب شده تا مجموعه‌ای از ویژگی‌های متنوع در باب حکمرانی خوب مطرح گردد. در واقع جدال‌هایی که در باره شاخص‌های حکمرانی خوب وجود دارد، از نوع ایدئولوژی بومی است.

چهارم، حکمرانی خوب وسیله‌ای برای دست یافتن به یک یا چند هدف مطلوب است. حکمرانی خوب برای چه؟ پاسخ به این سؤال متفاوت است و بستگی دارد به ماهیت "چه" دارد. در ادبیات حکمرانی نیز به این موضوع اشاره شده است که حکمرانی خوب یک اصطلاح هنجاری است که می‌بایست به اقتضای "بستر" تعریف شود (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸).

۵- نقد نظریه حکمرانی خوب

حکمرانی خوب در حال حاضر مهم‌ترین نظریه است که اندیشمندان اقتصادی جهان برای دستیابی به توسعه برای کشورهای مختلف سفارش می‌کنند. اما چندین نکته درباره این نظریه وجود دارد که می‌بایست در به کارگیری این نظریه بدان‌ها توجه شود. همچنین نقدهای متعددی نیز به این نظریه وارد شده که بهتر است بدان‌ها توجه شود (مبارک و آذر پیوند، ۱۳۸۷). از آنجایی که این مقاله در نظر دارد نظریه مناسب حکمرانی در کشور ایران را مورد بررسی قرار دهد نیاز می‌باشد این نظریه را با توجه مختصات ملی، تاریخی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

نقد اول به پس زمینه بسیار پر رنگ صرفاً اقتصادی حکمرانی خوب وارد می‌باشد. همانطوری که پیش‌تر هم بیان شد نظریه حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه اقتصادی برای نخستین بار توسط بانک جهانی مطرح شد. بُعد اقتصادی مهم‌ترین بحث در این نظریه می‌باشد. تقریباً تمامی ویژگی‌هایی را که برای یک حکمرانی خوب بر می‌شمردند در نهایت به دنبال دستیابی به توسعه اقتصادی می‌باشد. البته نویسندگان قصد زیر سؤال بردن اهمیت موضوع اقتصاد را ندارند ولی تجربه جهانی در زمینه توسعه پایدار نشان می‌دهد که توجه صرف به اقتصاد آثار مخربی را در پی خواهد داشت و می‌بایست بعد اقتصادی در کنار ابعاد اجتماعی و زیست محیطی به تعادلی پایدار برسند.

مسئله بعدی درباره بُعد اقتصادی حکمرانی خوب، نظام کاپیتالیستی و اقتصاد لیبرالی است که در صورت پیاده سازی سیاست‌های حکمرانی خوب به دنبال آن خواهیم رفت. البته نویسندگان قصد قضاوت درباره اقتصاد لیبرال را ندارند بلکه هدف جلب توجه و آگاهی دهی از فلسفه اقتصادی حکمرانی خوب می‌باشد که در سیاستگذاری‌های اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد. اگر ما به دنبال دستیابی به پیشرفتی اسلامی و ایرانی هستیم اقتصاد کشور نیز می‌بایست بر مبنای سیاست‌های اسلامی باشد. البته در تدوین مبانی اقتصاد اسلامی توجه به نظام‌های موجود در جهان و روش‌های داد و ستد در اقتصاد آزاد نیز باید مد نظر قرار گیرد تا کشور امکان تعاملی سازنده با جهانیان را داشته باشد.

نقد دوم، اولاً درباره مفهوم خوبی و ثانیاً درباره مبانی فلسفی است که حکمرانی خوب بر مبنای آن بنا نهاده شده است. محمد مهدی نادری در مقاله خود با عنوان "حکمرانی خوب؛ معرفی و نقد اجمالی" به نقد مفهوم خوبی در حکمرانی خوب پرداخته و با بیان اینکه خوبی مفهومی ارزشی است به نقد ارزش گذاری حکمرانی خوب تحت فلسفه اومانسیسم می‌پردازد و بیان می‌کند که مبانی اسلامی با این فلسفه تفاوت‌های بنیادی دارد که در طراحی نظام حکمرانی اسلامی باید بدان‌ها توجه کرد (نادری، ۱۳۹۰). البته شاخص‌های ارائه شده در حکمرانی قابلیت سازگاری با مبانی اسلامی را نیز دارد به عنوان نمونه اصغر مبارک و زیبا آذریبوند در مقاله ای با عنوان "نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی" به بررسی شاخص‌های حکمرانی از منظر اسلام پرداخته و در نهایت مدلی بر اساس شاخص‌های اسلامی برای حکمرانی خوب ارائه داده‌اند (مبارک و آذریبوند، ۱۳۸۷). و یا محمد ناظمی اردکانی در مقاله خود با عنوان حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی به ارائه مدلی اسلامی شده از حکمرانی خوب پرداخته است (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه نویسندگان این مقاله تخصصی در نقد فلسفی و مبانی اسلامی حکمرانی خوب ندارد، هدف از بیان این مطلب اشاره به لزوم توجه به مبانی فکری و فلسفی اسلامی و ایرانی در تدوین مدل حکمرانی بومی ایران می‌باشند.

از آنجایی که هدف این مقاله تبیین الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت به عنوان مبنایی برای نظام تدبیر مناسب برای ایرانی اسلامی می‌باشد می‌باشد. با توجه به تعبیری که از حکمرانی در بخش دوم شد و با توجه به نقدهایی که بر نظریه حکمرانی خود در این بخش وارد شد می‌توان عنوان که می‌توان این نتیجه را گرفت که برای ایران باید نظامی بومی

طراحی کرد که اولاً با تجارب جهانی همسو بوده ثانیاً بر پایه مبانی فکری و فلسفی بومی ایران طراحی شده باشد. پیشنهاد نگارندگان این مقاله نظام تدبیر شایسته و پایدار می‌باشد که در ادامه به بسط این مفهوم خواهیم پرداخت.

۶- نظام تدبیر شایسته و پایدار

در طی سالیان متمادی و آزمون و خطا درباره شیوه‌های حکمرانی، اغلب پارادایم‌های حکمرانی منجر به ناپایداری شده‌اند. از جمله رشد محوری، مدیریت توسعه، دولت‌های سوسیالیستی، دولت رفاه، دولت مدیریتی، حکمرانی مبتنی بر نظام اقتصاد آزاد، دولت کارآفرین، دولت کوچک، دولت توانمند ساز، دولت پیمانکار و غیره. تقریباً همگی این الگوها نظام‌هایی بودند که از جانب ارگان‌های بین‌المللی برای کشورهای در حال توسعه تجویز می‌شدند ولی در عمل اغلب به دلیل فراهم نبودن شرایط زمینه‌ای و عدم نگاه جامع به محیط محوم به شکست و یا منجر به ناپایداری شده‌اند (ابراهیم پور و خلیلی، ۱۳۹۰).

در حال حاضر چشم انداز نوینی که بر شالوده‌ی نتایج نظری و عملی در عرصه‌ی توسعه در نیمه‌ی قرن بیستم ظهور کرد توسعه پایدار است. در پارادایم توسعه پایدار، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، آموزش، محیط زیست، اخلاق، عدالت و ... دعوت می‌شوند تا در تعامل با هم و با احترام به مختصات و فرهنگ‌های ملل مختلف، به زندگی بشر در زمین، معنای انسانی بخشیده و نظم نو، در جهان مستقر کنند. ظهور پارادایم توسعه پایدار برای مواجهه جدی با ناپایداری ایجاد شده است ولی همچنان دستیابی به این نوع توسعه به دلیل نبود مکانیزم اجرایی و ضعف حکمرانی با مشکل مواجه است.

از طرفی حکمرانی خوب به عنوان آخرین راهبرد دستیابی به توسعه پایدار مطرح می‌باشد ولی همانطوری که اشاره شد حکمرانی خوب توجه ویژه‌ای به اقتصاد دارد و نگاه قالب اقتصادی به امور منجر به انحراف از مسیر توسعه پایدار خواهد شد و این امر در بلند مدت منجر به ناپایداری خواهد شد. در این راستا به نظر می‌رسد که استفاده از پارادایم پایداری به عنوان مغزافزار و استفاده از مبانی حکمرانی خوب به عنوان نرم افزار و رویکرد اجرا می‌تواند کار ساز باشد. بدین معنی که اگر بتوان با توجه به سه وجه اصلی توسعه پایدار (اقتصاد، اجتماع و محیط زیست) و وجه سیاسی حکمرانی خوب تعادلی ایجاد کرد می‌توان به نظامی شایسته تر برای حکمرانی دست یافت.

۷- نتیجه گیری: الگوی ایرانی اسلامی مبنایی برای نظام تدبیر شایسته و پایدار

هماتگونه که اشاره شد الگوی های مختلفی که از سوی سازمان‌های بین‌المللی برای طیف وسیعی از کشورها تجویز می‌شوند اغلب به دلیل عدم همخوانی با شرایط بومی، تاریخی، فرهنگی و غیره، محکوم به شکست بوده و منجر به ناپایداری می‌شوند. بنابراین ضرورت دارد هر ملتی با توجه به شرایط خودش اقدام به تدوین روش توسعه و پیشرفت خود نماید. در حال حاضر نیز تجربه جهانی نشان از برتری پارادایم توسعه پایدار به عنوان مغزافزار توسعه و حکمرانی خوب به

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

عنوان راهکار عملیاتی سازی توسعه می‌باشد. ولی مسلماً تا زمانی که ما به الگویی متناسب با شرایط شور ایران دست پیدا نکنیم این مفاهیم نیز گره ای از کار ما باز نخواهد کرد.

بنابراین ضرورت دارد ما با توجه پارادایم توسعه پایدار و حرکت جهانی به سمت و با استفاده از تجارب جهانی و ویژگی‌های مناسب حکمرانی خوب به عنوان نظامی برای تدبیر امور دست به تدوین الگویی شایسته و پایدار برای ایران اسلامی بزنیم.

طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌تواند مهم‌ترین بستر برای دستیابی به چنین هدفی باشد.

منابع

- ابراهیم پور، حبیب. خلیلی، حسن. "از حکمرانی خوب تا حکمرانی پایدار"، هشتمین کنفرانس بین المللی مدیریت، ۱۳۹۰.
- تصدیقی، بهروز. ۱۳۸۳، "نظریه حکمرانی خوب توانمند سازی دولت". طرح پژوهشی حکمرانی خوب، مرکز پژوهش‌های مجلس شورا اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- توفیق، فیروز. ۱۳۸۵. "برنامه‌ریزی در ایران و چشم انداز آینده آن"، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- جاسبی، جواد. نفری، ندا، ۱۳۸۸، "طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز"، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، صفحات ۸۵-۱۱۷.
- خاکباز، افشین. ۱۳۸۳، "تاریخچه اجماع واشنگتنی و پیشنهاداتی برای برنامه کار اصلاحات"، طرح پژوهشی حکمرانی خوب، مرکز پژوهش‌های مجلس شورا اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- خاندوزی، سید احسان. ۱۳۸۹. "ارزیابی شیوه برنامه نویسی توسعه در ایران"، فصلنامه برنامه و بودجه شماره ۱۱۰، صفحات ۹۹-۱۲۹.
- دباغ، سروش. نفری، ندا. ۱۳۸۸، "تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب". نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳، صفحات ۳-۱۸.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- قاسمی شاد، حسن. ۱۳۸۸، " حکمرانی خوب"، نشریه کارآفرین ناب، سال اول، شماره ۶، صفحات ۶۸-۷۱.
- مبارک، اصغر. آذرپیوند، زیبا. ۱۳۸۷، " نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۶، صفحات ۱۷۹-۲۰۸.
- مخبر، عباس. آبان ۱۳۸۲. "حکمرانی و مبارزه با فساد". طرح پژوهشی حکمرانی خوب، مرکز پژوهش‌های مجلس شورا اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- مردوخی، بایزید. ۱۳۹۳، " نظام تدبیر و مدیریت توسعه آینده نگر". دنیای نساجی، شماره ۶، صفحات ۶۴-۶۶.
- مکنون، رضا. سلیمی، جلیل، بهرامی، محسن. ۱۳۹۳. "فراتحلیلی بر آسیب شناسی برنامه‌های توسعه در ایران"، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز. صفحات ۱۳۷-۱۶۹.
- می‌دری، احمد. ۱۳۸۵، "مقدمه ای بر نظریه حکمرانی خوب". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، صفحات ۲۶۱-۲۸۷.
- نادری، محمد مهدی. ۱۳۹۰، "حکمرانی؛ معرفی و نقدی اجمالی"، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره اول، صفحات ۶۹-۹۳.
- ناظمی اردکانی، محمد. ۱۳۹۱، "حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی"، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۳۱، صفحات ۶۴-۸۸.
- نوبخت، محمدباقر و غلامی نتاج، سعید. زمستان ۱۳۹۰. "کارکردهای الگو توسعه"، فصلنامه راهبرد. pp. ۲۱۳-۲۳۱.
- نیکو نسبیتی، علی. ۱۳۹۰، " حکمرانی و توسعه: گذشته، حال، آینده". فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۴، صفحات ۱۲۹-۱۵۴.
- هادی ونوز، بهروز. ۱۳۸۹. "بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران"، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- یزدانی زازرانی، محمد رضا. ۱۳۹۱، " بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست گذاری عمومی"، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره ۴، صفحات ۱۰۹-۱۴۲.